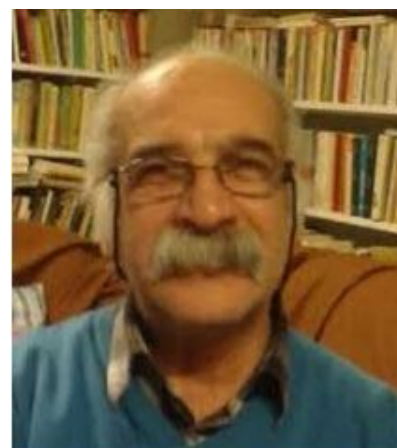


به استقبال اول ماه مه ۱۴۰۱ بشتا بيم!



امیرجواهری لنگرودی



اول ماه مه سال ۱۴۰۱ در راه است!

پیشتر آوردم: * اول ماه مه امسال در راه است؛
روزی که از آن ماست. باید با همه‌ی توان به
استقبالش شتافت. یازدهم اردیبهشت، اول ماه مه،
روز همبستگی بین المللی کارگران است. روز دست از
کار کشیدن؛ روز تظاهرات اعتراض آمیز همه‌ی کارگران
و زحمتکشان جهان است. در ایران همچنان بر سر تعطیلی
این روز سال‌های سال در بین مجامع کارگری و کل

کارگزاران حاکمیت ، بحث و گفتگو است و نتیجه کارش همچنان پا درهوا است.

این روز نه تنها روز بزرگداشت نیروی رنج و مشقت کشیده‌ی کارگران جهان، بلکه روزی است که این بخش عظیم از اردوی جهانی کار، با صدای رسا، اعتراض حق طلبانه‌ی خود را به گوش جهانیان می‌رسانند و در صفوف فشرده‌ی خود و هم پیمانانشان، علیه حق کشی‌ها به خیابان می‌آیند.

اول ماه مه، روز اتحاد پرشور و مهر آمیزی است که مژده‌ی پیروزی و استقرار برابری، برادری و انسانیت را به جهانیان می‌دهد و همچنان به وفاق و اتحاد عمل همه گروه‌بندی‌های نیروی کار و زحمت درپیکار و کار دست می‌یازد تا به هم گرایند و کارنامه بزرگی و پُرصلابتی از قدرت خود در برابر چرخه سرمایه را به حرکت درآورند!

اصلی‌ترین و مهم‌ترین پیام اول ماه مه، روز جهانی کارگر، همبستگی طبقاتی لایه‌های گوناگون توده‌ی کارگران، صرف نظر از تعلقات جنسیتی، مذهبی و قومی، زبانی به عنوان یک طبقه‌ی واحد است. در این روز، همه این رودررویی‌ها در سطح جهان، بین نیروی کار در برابر سرمایه، مبارزه بین طبقات استثمارزده و استثمارگر، بین طبقات محکوم و حاکم درمدارج گوناگون تکامل اجتماعی است و همه این نیروها و شبه عوامل آنها، تلاش دارند خیابان‌ها را به اشتغال خود درآورند!

در ایران یکی از عوامل مخرب پیش روی جنبش کارگری کشورما، وجود تشکیلات شبه فاشیستی و امنیتی «خانه کارگر» است که طی همه این سال‌ها، از بالا و کنترل شده به عنوان کارگزار حاکمیت درون جنبش کارگری، به عنوان تشکل شبه کارگری و امنیتی، همواره بر متن سرکوب حق تشکل مستقل کارگری، در برابر خواست کارگران، ایستاده است. این جماعت «خانه کارگر» با بازوی تبلیغاتی‌اش علیرضا محجوب (دبیر کل مادام‌العمر این خانه کذایی) با بکارگیری اهرم

خبری گسترده خبرگزاری ایلنا و حسن صادقی ()
که خود هر آشی می‌شوند تا قوای مستقل کارگران و
امر همگرایی و همبستگی توده‌ی وسیع کارگران را بهم
بزنند.

یادمان نرفته، همین جماعت خانه کارگری‌ها به مجرد
این که پس از پایان دوره‌ی دولت احمدی نژاد، امکان
پرگزاری راه پیمایی در روز اول ماه مه را به دست
آوردند، با حمله به کارگران افغانستانی و طرح
شعارهای نژادپرستانه، بین صفوف کارگران شکاف
انداختند. انجام این امر یعنی به نمایش گذاشتن
درهم شکستن همبستگی نیروی کار، به مثابه اصلی‌ترین
وظیفه‌ی این نیروی شبه کارگری در اول ماه مه بود
که همگان شاهدش بودیم و ما همان موقع، انتقادات
سخت خود را در برابر این نمایش ضد انسانی منتشر
ساختیم!

برای سال ۱۴۰۱ و در آستانه‌ی اول ماه مه (یازدهم
اردیبهشت) روزجهانی کارگر، همین جماعت تدارک
بالماسکه‌ی هفته‌ی کارگر را در دستور کار خود قرار
دادند. در خبرها آمده است: «صبح روز دوشنبه (بیست
و سوم اسفندماه) نخستین جلسه ستاد هماهنگی
بزرگداشت هفته کارگر در سالن اجتماعات روزنامه
کاروکارگر باحضور اعضای مرکزیت تشکل خانه
کارگر جمهوری اسلامی به ریاست علیرضا محجوب برگزار
شد» در همین نشست علیرضا محجوب افاضه می‌فرماید: «...
بسیار اهمیت دارد که در جلسات ستاد و همچنین در
مرحله برگزاری، از همه تشکلهای کارگری دعوت شود
تا مشارکت پررنگ و موثری داشته و حضور یابند»*

پرسش اساسی این است مراد دبیر کل از عبارت «باید
از همه تشکل‌های کارگری دعوت شود» چیست و کدام
تشکل‌ها، مدنظر است؟ آیا سراغ تشکلهای مستقل شورای
فرهنگیان و نمایندگان کانون‌های صنفی فرهنگیان و
سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکرهفت تپه، کمیته
هماهنگی، کمیته پیگیری، پرشمار تشکلهای
بازنشستگان، نهادهای متشکل زنان، پرستاران و

بهباران و... دیگران هم که روی استقلال عمل خود پای می‌فشارند، خواند رفت و آنان را در تیررس خود دارد؟ یا برای ایشان درب بر روی همان پاشنه‌ی خودی و غیرخودی نیروها در جامعه‌ی کارگری می‌چرخد؟ طبقه‌ی مزد و حقوق بگیران جامعه را به شقوقی خود خواسته نامگذاری و تقسیم می‌کند و تشکلهای مورد نظرشان در واقع عوامل شوراهای اسلامی، انجمن‌های اسلامی کارگران و حراست است. تشکلاتی که ربطی به کارگران و منافع آنها ندارند. این دارودسته در تمام این سالها و آنچه در سیمای سال ۱۴۰۰ دیدیم نشان داده جز منفعت خود و حفظ دفتر و دستک «خانه کارگر» و جیرخواران ریزودرشت آن، به هیچ نیروی مطالبه‌گر جامعه‌ی کارگری اعم از بازنشستگان، زنان، پرستاران و فرهنگیان، فعالین سندیکایی و کمیته‌های اقدام موجود در جامعه نمی‌نگرد.

به موازات مانع تراشی و تفرقه افکنی‌های خانه‌ی کارگری‌ها، در پی شدت تحرکات و مطالبه‌گری فرهنگیان در سال گذشته، دستگاه امنیتی (وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه) فعالین فرهنگی را احضار و در اتاق بازجویی، با تهدید و یا تطمیع و... خاموش می‌سازد و همینطور از آنها می‌خواهند که با دیگر فعالان مستقل و صادق، مقابله کرده، مانع از برگزاری تجمعات و مطالبه‌گری جامعه‌ی فرهنگیان شوند. متأسفانه تعداد اندکی از فعالین سابق فرهنگی نیز تن به این توطئه داده و در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی فعالان فرهنگی، سعی در تخریب چهره‌های موجه می‌کنند و کار را به جایی رسانده که مطالبه‌ی اجرای قوانین را نیز تند روی جا می‌زنند و... بدین ترتیب با ایجاد این دودستگی جلوی پیشروی جنبش مستقل فرهنگیان و راه پیشروی آنان را سد می‌کنند. این مجموعه از همان دست تاکتیک‌های پوسیده و نخ نمای حکومت است که تا به امروز راه به جایی نبرده است!

چنان‌که در باره‌ی نقش تشکلهای زرد و موازی خانه‌ی کارگر اشاره شد. نیروهای امنیتی نیز با نفوذ در تشکلهای، خط خود را پیش می‌برند، اینها دو هدف

دارند، از یک سو تدارک تشکیلات زردی موسوم به «سندیکای فرهنگیان» را در برابر «شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان» می‌بینند؛ همان کاری که پیشتر با علم کردن امثال «سعید ترابی‌ان»ها و «حسین میرزایی»ها علیه سندیکای واحد با جعل نام آن ساخت سندیکای زرد و وابسته خواستند کنند اما در عمل هیچ غلطی نتوانستند بکنند؛ و از سوی دیگر با پیش انداختن و دخالت در انتخابات کانون‌های صنفی، نظیر آنچه در گیلان انجام آنرا به عهده‌ی استان‌داری گذاشته‌اند، درصددند که استقلال و ابتکار عمل را از نیروهای مترقی تشکیلات فرهنگیان گرفته و در کنترل خود درآورند.

اما نمی‌توان به همین راحتی فرهنگیان و طبقه‌ی کارگر و سازمان‌گران نام‌آشنای آن همچون «عزیز قاسم زاده رودسری» و... را دیگر بار با توطئه و نام مهره‌های خود گماشته کنار گذاشته یا کمرنگ کنند. برعکس باید با نام «شورای فرهنگیان» و راه یافتن به درون نیروی عظیم فرهنگیان آگاه و مسئول در گیلان، و با نقب زدن به درون آنان به شکست‌شان کشانید!

توده‌ی کارگران و نیروی وسیع معلمان طی دو روز یازدهم و دوازدهم اردیبهشت فرصت لازم و ضروری می‌یابند که با یکی شدن و به خیابان آمدن، به فعالیت فریفتگانی که به اشکال مختلف توسط امنیتی‌ها تهدید و احیاناً تطمیع شده و در صفوف متشکل لایه‌های کارگران و معلمان در سراسر کشور مانع تراشی و تفرقه افکنی کنند، پایان دهند. مخرج مشترک همه‌ی ادعاهای تا حال طرح شده و هزینه‌سازی «خانه کارگر» جز مصارف خودی که یاد شد، هیچ منفعتی برای هیچ نیروی متشکل بافت کارگری جامعه ایران ندارد و برای افشای کارکرد امنیتی آن که تنها ایجاد تفرقه در صفوف متشکل کارگران و معلمان طی روزهای یازدهم و دوازدهم اردیبهشت، معنا می‌یابد، باید با قدرت به میدان آمد.

حاصل بحث‌های طرح شده‌ام این است: امروز جامعه

مادر سطح تمامیت جغرافیای کشور، با برآمد برزگ و نسبتاً سراسری در حال شکوفایی در برابر کلیت نظام، در متن شکاف درونی بالایی ها از یکطرف و خامت همه جانبه اوضاع اقتصادی- اجتماعی از طرف دیگر مواجه است. این مجموعه زمینه مناسبی برای پیشروی جنبش های مطالباتی فراهم می آورد. در وضعیت موجود و گذر از مطالبات بی پاسخ مانده از سال های گذشته تا سال ۱۴۰۰ و دشواری شرایط کرونایی در موجودیت کلیت طبقه مزدو حقوق بگیر در تمامیت سیاست های تاکنونی بوجود آورده، در سال جدید، خاصه در مقطع روز جهانی کارگر (اول ماه مه) و روز معلم، جنبش های مطالباتی زنان، پرستاران، بهیاران، بازنشستگان، معلمان و کارگران، یعنی همه ی مزدو حقوق بگیران، درهمسوئی با اعتراضات و عمل متحدانه و چشمگیر و هماهنگ یکدیگر میتوانند عملیات تاریخی خود را در پیوند با هم و در ارتباط منظم تشکل های مستقل صنفی خود، حول پایه ای ترین مطالبات و خواست های مشترک مانند دفاع از حق تشکل و اعتصاب، تجمعات آزاد و درمان عمومی و تحصیل رایگان و حداقل مزد برپایه تورم نقطه به نقطه و بالای خط فقر، تا رتبه بندی و همسان سازی و بازپس گیری اندوخته ی صندوق های تامین اجتماعی و صندوق ذخیره ی فرهنگیان و پایان بخشیدن به احضارها و بازداشتها و آزادی همه ی زندانیان عقیدتی و سیاسی و پی گرفته و قدرتمندتر خواهند توانست حکومت و دولت و کارفرماهایشان را به تمکین خواسته هایشان وادارند! باید از همین امروز به تبلیغات گسترده ای دست زد تا بتوان این روزها را به همراهی و همبستگی صف مستقل اکثریت عظیم نیروهای مطالبه گر جامعه، در میدان ماند، گرد هم آمد، بازو در بازو هم نمود و برای پیشروی و عقب نشینی نمودن، همه ی قدرتمان را در کف خیابان به نمایش بگذاریم.

* بخش نخست این مطلب را میتوانید در سایت روز شمار جنبش کارگری بخوانید:

http://karegari.com/maghalat/2022/03/29/Aval_Maj_1401_1.pdf

* سایت خبرگزاری ایلنا، برگزاری اولین جلسه ستاد
بزرگداشت هفته کارگر، ۱۴۰۰/۱۲/۲۳

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1208282>

قطعنامه به مناسبت اول ماه مه



قطعنامه تشکل های مستقل کارگران، معلمان،
بازنشستگان،

دانشجویان، زنان و مراکز کارگری

به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر - سال ۱۴۰۰

امسال ما کارگران و معلمان و بازنشستگان و همه حقوق بگیران
زحمتکش در حالی به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر، کیفر

خواست خود را در برابر ستمگران قرار می‌دهیم که مرگ و وحشت ناشی از ویروس کرونا و مصائب بی شمار و لاینحل اقتصادی و معیشتی و نبود کوچکترین روزنه ای برای بهبود شرایط موجود و بی تفاوتی حکومتگران در برابر این وضعیت جهنمی، چنان سایه خود را بر بالای سر هست و نیست میلیون‌ها انسان در سراسر کشور گسترانیده است که برای ما کارگران و معلمان و بازنشستگان و دیگر توده های زحمتکش و رنج‌دیده مردم ایران چاره ای جز در هم شکستن این وضعیت به نیروی متحد و سراسری اعتراضاتمان باقی نگذاشته است.

در این بین آن چیزی که ما شاهد و ناظر آن هستیم نه تنها بی تفاوتی حکومتگران در برابر شرایط موجود، بلکه تلاش مستبدانه آنان برای حفظ و بقایشان بر سریر قدرت و رقابت بر سرآن، و بند و بست با قدرت های بزرگ جهانی و رقیب، به هر قیمتی است.

در یک کلام، آن چیزی که امروز بر ما مردم ایران و پس از گذشت نزدیک به ۴۳ سال پس از انقلاب ۵۷ تحمیل شده است چیزی جز خیانت و تبدیل جامعه ای بزرگ با دارا بودن خیره کننده ترین ثروت های زیرزمینی و منابع انسانی به زمینی سوخته از سوی اقلیتی ستمگر نیست.

به همین دلیل هم است که برای ما، اول ماه مه روز جهانی کارگر و روز معلم و دیگر روزهای تاریخی دیگر نمی تواند صرفاً گرامیداشت چنین ایام ستودنی و یا اعلام کیفرخواست مان در برابر ستمگران باشد.

ما برده نیستیم و تن به تداوم این وضعیت نخواهیم داد.

حکومت گرانی که از طریق سرکوب و ساز و کارهای حاکمیتی بر بالای سر مردم به غارت و چپاول ثروت های اجتماعی و استثمار گسترده کارگران و حقوق بگیران بر بستر مناسبات کار مزدی مشغول هستند باید بدانند که نیروی متحد کارگران و دیگر مزدبگیران زحمتکش در مقابل شرایط موجود با قدرت خواهد ایستاد.

از این رو، ما کارگران و تشکل های صنفی و مدنی امضا کننده این قطعنامه با هشدار به حکومتگران برای پایان دادن به شرایط موجود که بطور غیرقابل انکاری در تمامی ارکان زندگی اقتصادی و سیاسی اجتماعی کشور به کلافی سر در گم و بن بستى لاعلاج بدل شده و جامعه ای هشتاد میلیونی را در فرایند فروپاشی و اضمحلال قرار داده است، ضمن تاکید بر سازماندهی عاجلانه اعتراضات سراسری و متحدانه،

خواسته‌های حداقلی خود را برای شکل دهی به جامع‌های نوین و مبتنی بر تضمین پایه‌ای‌ترین حقوق انسانی به شرح زیر اعلام میداریم:

۱- افزایش فوری حداقل حقوق کارگران، معلمان و دیگر مزدبگیران شاغل و بازنشسته به بالای ۱۲ میلیون تومان در ماه و پرداخت بیمه بیکاری به کارگران و جوانان آماده به کار به میزان حداقل مزد، دستمزد کارگران و دیگر مزدبگیران زحمتکش باید توسط خود آنان تعیین و نهاد دولتی- کارفرمایی "شورای عالی کار" باید منحل گردد.

۲- واکسیناسیون کرونا باید فوراً و به صورت رایگان و همگانی انجام گیرد. مراکز کاری از جمله کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، ادارات و سایر محیط‌ها در دوره‌های افزایش شیوع بیماری تعطیل شده و حقوق این ایام و بیمه بیکاری به تمام کارگران و کارمندان پرداخت گردد. همچنین تمامی زندانیان می‌بایست تا پایان دوران بحران کرونا یا آزاد گردند و یا به مرخصی فرستاده شوند.

۳- پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات سیاسی، صنفی و مدنی، لغو مجازات اعدام و شلاق، لغو کلیه احکام صادره علیه فعالان کارگری، معلمان و دیگر جنبش‌های آزادی‌خواه و برابری طلب و آزادی بی قید و شرط همه کارگران، معلمان و فعالان سیاسی و اجتماعی در بند.

۴- آزادی بی قید و شرط ایجاد تشکلهای مستقل، اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، تجمع، اندیشه و بیان، احزاب و مطبوعات.

۵- پرداخت فوری مطالبات معوق کارگران، بازنشستگان، معلمان و کارمندان بخش خصوصی و دولتی همراه با خسارت دیرکرد و تصویب قانونی برای جرم انگاری عدم پرداخت حقوق و مزایا.

۶- تامین امنیت شغلی و توقف اخراج سازی‌ها، پایان دادن به هر نوع استخدام غیرمستقیم و غیررسمی، برچیده شدن قراردادهای موقت و شرکت‌های تامین نیروی انسانی و پیمانکاری، لغو قوانین مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی و عدم افزایش مبلغ بیمه کارگران ساختمانی.

۷- قطع دست دولت از صندوق‌های بازنشستگی، سپردن اختیار صندوق سازمان تامین اجتماعی و دیگر صندوق‌های بازنشستگی به هیات امنایی از نماینده‌های منتخب اعضا، محاکمه غارتگران صندوق‌های

بازنشستگی و جبران خسارت‌های وارده به اعضا، الغای فروش سهام شرکتهای تابعه تامین اجتماعی (شستا).

۸- غارت و چپاول منابع عمومی و تخریب محیط زیست توسط باندهای مافیایی وابسته به مراکز قدرت باید فوراً متوقف شود. به کلیه طرح‌های ضد محیط زیستی از جمله تخریب جنگل‌ها، کوه‌خواری، تجاوز به حریم دریا توسط ارگان‌های نظامی و دولتی و هرگونه طرح غیرکارشناسی انتقال آب به فلات مرکزی که به بهانه تامین آب شرب اما برای تامین آب مصرفی مورد نیاز کارخانجات فولادی متعلق به نهادهای قدرت و مافیای فولاد است باید فوراً پایان داده شود.

۹- ممنوعیت کار کودکان و فراهم کردن امکانات زندگی و تحصیل رایگان با بالاترین استانداردهای آموزشی برای همه آنان فارغ از تعلق خانوادگی، جنسیت، قومیت و مذهب.

۱۰- استخدام‌های غیررسمی و پیمانی از قبیل حق التدریس در آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور باید ممنوع و به استخدام رسمی تبدیل گردد، دانشگاه‌ها و مدارس خصوصی و غیرانتفاعی برچیده شوند و آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور مطابق با بالاترین استانداردهای جهانی تجهیز و سازماندهی گردند و تحصیل تا بالاترین مدارج آن رایگان باشد.

۱۱- قانون مشاغل سخت و زیان‌آور باید پرستاران را نیز در بر بگیرد و تمامی محیط‌های کار با بالاترین استانداردهای ایمنی تجهیز گردند.

۱۲- برچیده شدن حجاب اجباری و تمامی قوانین تبعیض‌آمیز نسبت به زنان، برابری کامل و بی‌قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی.

۱۳- به رسمیت شناخته شدن حق شهروندی برای مهاجرین افغانستانی و دیگر مهاجران و منع هرگونه اعمال تبعیض‌آمیز علیه آنان.

۱۴- اول ماه مه روز جهانی کارگر باید تعطیل رسمی اعلام و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی شود.

امضا کنندگان به ترتیب حروف الفبا:

اتحادیه آزاد کارگران ایران
انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه
انجمن صنفی معلمان کردستان – مریوان
تشکل مستقل دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان
سندیکای نقاشان استان البرز
شورای کارگری بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی (بستا)
کارگران غیر رسمی نفت
کارگران مستقل گروه ملی صنعتی فولاد ایران (اهواز)
کانون انجمن های صنفی کارگران ساختمانی استان کردستان
کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز
کانون صنفی فرهنگیان گیلان
کانون مدافعان حقوق کارگر
ندای زنان ایران

**اول مه 2021 – 11 اردیبهشت
1400**



**روز جهانی کارگر
روز همبستگی بین‌المللی کارگران را
به همه زحمتکشانی ایران و جهان تبریک
می‌گوئیم.**

**آفیش تجمع در شهرهای ایران
به مناسبت 11 اردیبهشت 1400، روز جهانی کارگر**

بازدن ماسک و رعایت
فاصله اجتماعی

خط کف چپا بون **تجمع** بدست پاد و همون

اعتراض

اعتراض

بازنشستگان **زحمتکش**

۱۰،۳۰ صبح

شنبه ۱۱ اردیبهشت

تهران: **رو به روی** وزارت کار و رفاه

شهرستان های نزدیک به تهران، اولویت به شرکت در تهران
سایر شهرستان ها: مقابل اداره ی کل تأمین اجتماعی

خجسته باد ۱۱

اردیبهشت روز جهانی
کارگر

طبقه کارگر جهان امسال در بدترین شرایط به استقبال روز کارگر میرود

به مناسبت اول ماه می

امین بیات

هرساله با عشق شرکت در تظاهرات اول ماه می خود را آماده میکردیم تا قدمی هر چه کوچک در حمایت از خواستهای طبقه زحمتکش جهان، برداشته باشیم اما متأسفانه امسال بخاطر شیوع ویروس کرونا ی سرمایه داری برگزار نمیشود ولی ما درشادی کارگران وزحمتکشان امسال پشتیبانی مجازی میکنیم. با پیدایش مناسبات سرمایه داری، طبقه ی نوینی پا به عرصه ی سیاسی تاریخ گذاشت که مجبور بود وهست که برای تامین حداقل مخارج زندگی خود و خانواده اش، نیروی کار خود را عرضه کند و آنرا به سرمایه داران و صاحبان کارگاهها بفروشد وازآنها در مقابل نیروی کار خود مزد دریافت کند . کارگر با پولی که دریافت میکند یعنی نیروی کارش را در کارگاه باز تولید میکند.



ویژه گی اصلی طبقه کارگر آنگونه که در"مانیفست کمونیست"آورده شده ، این است:

"از خود صاحب هیچگونه ابزار تولید نیست و برای آنکه زندگی کند، ناچار است نیروی کار خود را به معرض فروش برساند."

در قرن نوزده میلادی سرمایه داران از کارگران تا شانزده ساعت در روز در کارگاهها کارمیکشیدند و حتی کارگران قادر نبودند با مزد دریافتی هزینه خوراک و پوشاک خود و خانواده خویش را تامین کنند، یعنی درحال داشتن کار ودرآمد، زندگیشان زیر خط فقربود، و درکارخانه ها ازهیچگونه حقوقی بر خوردار نبودند و کارفرمایان درمقابل سانه ها هیچگونه تعهدی نداشتند در آن دوران کارگران از هر گونه حقوقی محروم بودند و حتی هرگاه منافع کارفرمایان ایجاب میکرد آنها را اخراج میکردند.

کمبود درآمد کارگران سبب آن شده بود که زنان و کودکان نیز به بازار کار کشیده شوند و در کارگاهها نیروی کار خود را به بهائی بسیار نازل بفروشند، به این جهت آن دوران از رشد سرمایه داری به دوران رقابت آزاد معروف شده بود، یعنی همه آحاد جامعه برای تامین هزینه زندگی نیروی کار خود را میفروختند.

پایان قرن نوزده میلادی مواجه است با زوال رقابت آزاد و پیدایش سرمایه انحصاری، و آغاز مطالبات کارگران در اروپا و آمریکا بطوریکه در اول ماه مه 1886 خواست هشت ساعت کار روزانه در کلیه شهرها ئی که کارگران اعتصاب کرده بودند، مطرح شد.

در سال 1889 در آلمان نیز جنبش کارگری بخاطر تحقق کسب هشت ساعت کار روزانه اقدام به اعتصاب کردند و موفق به کسب هشت ساعت کار در روز شدند و در نخستین کنگره بین المللی کارگران که کنگره موسس بین الملل دوم بود در آن خواست هشت ساعت کار و اختصاص دادن روزی را در سراسر جهان به روز کارگر، شدند.

در این رابطه بود که در کنگره پاریس در اول ماه می 1886 تصویب کردند که روز اول ماه مه به مثابه روز همبستگی جنبش بین المللی کارگران و مبارزه بخاطر رهایی طبقه ی کارگر از قید و بند های استثمار، شناخته شود.

به این ترتیب هر ساله روز اول ماه مه از سوی کارگران جهان، این روز را گرامی میدارند، و جشن میگیرند.

و اما در ایران در دوران سلطنت، دولت محصول کودتای 28 مرداد از پیدایش سندیکاهای خودجوش و مستقل و با برپائی "سندیکاهای زرد" دولتی از رشد و گسترش جنبش کارگری جلوگیری کردند و زمانیکه انقلاب 57 تحقق یافت جنبش کارگری ایران فاقد هرگونه بافت سازمان یافته مستقل بود، بهمین دلیل نتوانست در انقلاب نقش محوری و تعیین کننده، داشته باشد. و همچنین بعد از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و حاکمیت استبداد سیاه از پیدایش هر گونه سازمان سیاسی و صنفی جلوگیری کردند، و بخاطر عقب ماندگی صنعتی در ایران جنبش سندیکالیستی نتوانست بمثابه ی جنبش مستقل بوجود بیاید. و حکومت اسلامی به مقابله با " شوراهای کارگری" که بوجود آمده بودند، برخواست و با تبدیل کردن آنها به "انجمن های اسلامی" کارگران را وابسته به دولت کردند.

برای اپوزیسیون سوسیالیست و کمونیست ایران هر ساله اول ماه مه(11

اردیبهشت) امکانی بدست میدهد تا از شرایط غیر قابل تحمل زحمتکشان، کارمندان و سندیکالیست های ایران، مستقیم سخن بگوئیم.

از طبقه ای سخن بگوئیم که بیش از اکثریت قریب به اتفاق کل جامعه را تشکیل میدهند، که در بدترین شرایط بیرحمانه استثمار شده و تحت ستم قرار دارند.

اما امسال سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، بازنشستگان، معلمان کارگران هفت تپه در اعتراض به تعیین دستمزد درمناسبات سرمایه، زیرخط فقر- گرانی و تورم و اعتراض به ممانعت از ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری، حضور بهم نمیتوانند بخاطر ویروس کرنا، برسانند.

کارگران و زحمتکشان ایران از زن و مرد هیچ راهی برای نجات ندارند جز اینکه به ایجاد و گسترش تشکلهای مستقل کارگری پرداخته و متحدان علیه ظلم، ستم و استثمار، مبارزه کنند. در نظام سرمایه داری وابسته ایران زحمتکشان برای هر گونه فعالیت و جهت بدست آوردن حقوق اولیه خود، فوراً به "مهر" "ضداسلامی" مهور شده دستگیر، زندانی و شکنجه میشوند.

کمونیستها و سوسیالیستها بمثابه عناصر آگاه تنها نیروئی هستند که در جهت تغییر آگاهانه ی جامعه میتوانند قدم بردارند و در "تحقق برنامه" حداقل کارگری آنهم باین دلیل که طبقه کارگر در ایران در حال حاضر قادر به انقلاب سوسیالیستی نیست. حداقل برنامه یعنی اینکه کنار زدن نظام بورژوازی و استقرار یک حکومت دمکراتیک و لائیک که ابزار اعمال اراده و حاکمیت زحمتکشان ایران باشد را تشکیل دهند. این حکومت باید ضامن آن دمکراسی وسیعی باشد که در آن مبارزه طبقاتی زحمتکشان علیه بورژوازی آزادانه، آشکار و به وسیعترین شکل ممکنه، تکامل یابد.

قانون کار در قانون اساسی جمهوری اسلامی که روابط کارگر و کارفرما را بر طبق "روح قرآن" و "اسلام" بنا نهاده است و جامعه ی اسلامی را با اقتصاد اسلامی و روابط تولید اسلامی بر جامعه حکمفرما کرده است. این رژیم اقتصاد، مالکیت بر ابزار و وسائل تولید، رابطه تولید کننده و مصرف کننده را از طریق قوانین اسلامی توضیح میدهند. رژیمی که میخواست اقتصاد اسلامی را بر جامعه حکمفرما سازد در زیر پوشش اسلام از طریق "قانون کار" جدید، تصور

میکرد بهترین زمینه را برای ارزش افزائی سرمایه فراهم آورده است، ک با شکست مواجه شد. نمیتوان یک جامعه ی سوسیالیستی را هر زمانیکه اراده کردیم، متحقق سازیم. شرط اول تحقق جامعه سوسیالیستی وجود جامعه سرمایه داریست برای اینکه شرط کافی تحقق جامعه سوسیالیستی مادیت اجتماعی بیابد، باید جامعه سرمایه داری مراحل رشد و انکشاف تاریخی خود را سپری کرده باشد. بهمین دلیل ساده نیروهای زحمتکشان باید مسائلی را در دستور کار سیاسی روز قرار دهند که قادر به حل مشکلات آن و تحقق آن در جامعه ایران امروز، باشند.

بنا براین زمانیکه شرایط لازم و کافی در جامعه وجود داشته باشد و طبقه حامل مناسبات جدید، برای گرفتن قدرت سیاسی وارد میدان مبارزه اجتماعی میگردد و با یک جنبش عمومی قدرت را تصرف میکند، در این صورت است که میتوان از یک انقلاب اجتماعی سخن گفت. و اینجاست که قدرت از طبقه ای به طبقه دیگر منتقل میشود و درعین حال مناسبات تولیدی گذشته جای خود را به مناسبات جدید می سپارد. نمونه ی تاریخی این انقلاب اجتماعی را میتوان "انقلاب کبیر" فرانسه در سال 1792 نامبرد. تاریخ بشریت تا به امروز تنها با یک انقلاب اجتماعی آنهم در فرانسه روبرو بوده است با اینحال چنین انقلابی نتوانسته به سرعت حقوق دمکراتیک بورژوازی را در سطح عمومی حاکم کند و 70 سال بدرازا میکشد تا حق "رای" برای مردان و بیش از صد سال میگذرد تا فرصت برای حق "رای" زنان تحقق یابد. پس نمیتوان ادعا کرد که اگر طبقه کارگر ایران حتی اگر از درجه معینی از شعور و تشکیلات رسیده باشد میتواند انقلاب سوسیالیستی کند. زیرا بنظر مارکس انقلاب نتیجه تضاد مادی جامعه است که ما بین نیروهای مولده و مناسبات تولیدی روی میدهد، یعنی انقلاب نتیجه ی درجه ی معینی از رشد این تضاد است. و به آگاهی تشکیلات کارگری چندان کاری ندارد. اگر شرایط اجتماعی آنچنان رشد و انکشاف یافته باشند که مناسبات تولیدی جلوی رشد نیروهای مولده را سد کرده باشد، دراینصورت تحقق انقلاب اجتماعی امری محتوم است، حال اینکه طبقه کارگردارای رشد و آگاهی باشد یا نه، چنین انقلابی روی خواهد داد و قدرت را به طبقه ی کارگر خواهد سپرد و حتی اگر تشکیلات هم نداشته باشد، جامعه در روند انقلابی خود بسرعت انقلاب رو بنای اجتماعی را بوجود خواهد آورد همانطور که انقلاب اجتماعی بورژوازی چنین روبنائی را مبتنی با نیازهای مناسبات تولیدی و صورتبندی اجتماعی جدید بوجود آورد.

باید بررسی کرد که طبقه ی کارگر ایران در چه شرایطی قرار دارد و جامعه ی ایران دارای چگونه ساختاری است.

گفتیم که برای تحقق یک جامعه سوسیالیستی باید تضاد مابین نیروهای مولده و مناسبات تولیدی تا مرحله انفجار رشد کند و باید در سطح جامعه شرایطی حکمفرما باشد که طی آن امکان هر نوع انکشاف از نیروهای مولده سلب گردد. و در برابر جامعه راه حل دیگری جزازمیان برداشتن مراوده و مناسبات موجود قرار نداشته باشد، میتواند پیش شرط تحقق یک انقلاب کارگری، باشد.

طی چهار دهه ی گذشته که از آغاز سیادت جمهوری اسلامی تا به امروز میگذرد نشان از آن دارد که وضعیت اقتصادی جامعه نسبت به دوران حکومت قبل بسیار وده ها برابر بدتر شده است، بدلائل عدیده جنگ، فرار مغزها و ثروتها، بحران در صنایع که اکثرا مونتاژ میباشند و وجود مخارج نظامی، تورم اقتصادی، تعطیل شدن صنایع خصوصی و حتی دولتی و محدود شدن امکانات سرمایه گذاری، در حد صفر، بیکاری ورشکستگی اقتصادی و حتی سیاسی جامعه را بمرز انفجار کشانده است.

از طرفی کشورهای امپریالیستی از جمله آمریکا و انگلیس و آلمان و... بهیچ وجه نمیخواهند که بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کل جامعه را در بر بگیرد دلیل این امر نیز روشن است زیرا گسترش بحرانهای اقتصادی و ناتوانی رژیم در پاسخگویی به نیازهای مردم میتواند شرایطی را در جامعه بوجود بیاورد که نیروهای پشتیبان زحمتکشان بتوانند قدرت را بدست بیاورند.

برای امپریالیستها و بخصوص آمریکا و سایر کشورهای سرمایه داری متروپل هیچ چیزی خطرناکتر از آن نیست که قدرت در ایران بدست نیروهای وابسته به زحمتکشان، بیفتد.

پس هر زمانیکه تحول انقلابی در جامعه سمت و سوی زحمتکشان داشته باشد، جهان امپریالیستی آرام نخواهد نشست و از طریق اقمار خود در ایران دخالت خواهد کرد و بهر شیوه ای که شده جلوی آنرا خواهد گرفت.

از آنجا که در رژیم قبلی یعنی شاه، بخش عظیمی از روستا نشینان دهقانان بشهرها هجوم آوردند و باین ترتیب شهرها را با مشکل مسکن و کار روبرو ساختند و وجود این حرکت اجتماعی که از اوایل اصلاحات ارضی شروع شده بود، خود سرانجام به سرنگونی رژیم شاه وابسته به امپریالیسم آمریکا منجر شد، زیرا آن رژیم با توجه و تکیه بر

اقتصاد درهای باز برای حل و کنترل این مشکل راه حلی نداشت، رژیم جمهوری اسلامی که هم اکنون در بحرانی عمیق اجتماعی سیاسی و اقتصادی بسر میبرد و بطور عمده که تا بحال در میان روستا نشینان دارای تکیه گاه بزرگ اجتماعی بوده است، نیز نتوانسته است برای حل این مشکل راه حلی بیابد، و بیشک به سرنوشت رژیم گذشته دچار خواهد شد.

به این ترتیب در می یابیم که انقلاب 57 شرایطی را بوجود آورده است که فضای فعالیت سیاسی برای کلیه نیروها و بخصوص کمونیستها بسیار مشکلتر شده است، جنبش کمونیستی ایران نمیتواند تکیه فعالیت خود را بر روی اختناق سیاسی موجود در جامعه بگذارد.

سوسیالیستها و کمونیستهای مستقل ایرانی باید با ارائه راه حل های واقعی برای کارگران و هم برای دیگر اقشار تحت ستم و محروم آشکار سازند که نیروهای واقعی واقعا آینده نگر هستند، و "چپ" میهن ما باید نیروهای پراکنده ی خود را متحد سازد و با ایجاد سازمانی که اکثریت سازمانها و لایه های چپ را در بر بگیرد، بکوشد حد اکثر انرژی خود را در جهت بررسی علمی از جامعه گام بردارد و خود را از عام گوئی و شعار دادن برهاند و با دامن زدن به دانش سوسیالیسم علمی از خود آن شایستگی را نشان دهد، واقعیت این است که ما در برابر شرایطی قرار گرفته ایم که میبایستی برای آن چاره اندیشی کنیم.

مسئله بر سر تغییر اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی جامعه ای است که 41 سال است بدون توقف در راه سرایشی می باشد، نیروهای مترقی و آزادیخواه و طرفدار سوسیالیسم در کنار مبارزه بخاطر استقرار آزادیها و حقوق دمکراتیک سیاسی یعنی حقوقی که در کشورهای جهان سوم بوجود آمده است بدون آنکه تضمین شده باشد میبایستی برای حل ریشه ای معضلات اقتصادی و اجتماعی زحمتکشان از جمله کار دائم، مسکن، آموزش همگانی و رایگان، بیمه اجتماعی و بطور کلی پیشرفت و توسعه اقتصادی، برنامه عملی و واقعی داشته باشد، عبارت دیگر حقوق انسانی بدون هیچگونه پاسخگوئی به این هر دو جنبه مشکلات جوامع عقب مانده شعار تو خالی است، و جای بسی تاسف است که عده ای از عناصر چپ ایران در اوج توهم نسبت به رژیم، هوادار حفظ جمهوری اسلامی شدند، بخشی در اوج بحران هویت به "ملیون" پیوستند و طرفدار "مالکیت خصوصی" شدند، و بر صحت و سقم دینامیسم سرمایه داری پای فشردند.

در جامعه ای که ملا همه را کارگر میداند و از این طریق روز جهانی کارگران را ممنوع اعلام میکنند چون همه روزهای سال روز کارگر است، بی محابا فعالین کارگری را تنها بدلیل اقداماتیکه جهت طرح خواستهائی که در مقیاس بین المللی از حقوق مسلم و شناخته شده و معمولی کارگران جهان محسوب میشود یعنی حق تشکل، حق تجمع و تظاهرات، حق ایمنی کاردرخواست پرداخت حقوقهای پرداخت نشده و... که از طرف رژیم بطور مستمر نقض میشود زندانی میکند، شکنجه میکند و محکوم میکند.

چپ ایران در بحران بسر میبرد و آنچه بعنوان اصل برای کمونیستها باید وجود داشته باشد مبارزه علیه سرمایه داری جهانی و لغو مالکیت خصوصی بر ابزار و وسائل تولید و ایجاد مالکیت اجتماعی است.

راه بر چیدن سایه شوم فاشیست مذهبی جمهوری اسلامی ایران در اتحاد وسیع همه نیروهای مترقی است که خواستار جامعه ای انسانی و آزاد میباشند، است. و در این ورطه از هر گونه سازشی با بازگشت سلطنت و یا حکومت مذهبی دیگری دوری جسته شرط پیروزی انقلاب را در ایجاد جمهوری دمکراتیکی میدانیم که معیار های استبدادی هزاران ساله را در این جامعه به تاریخ بسپاریم و زمینه رشد و تکامل و توسعه اجتماعی را فراهم کنیم، پیش شرط یک چنین اتحادی وسیع ما بین نیروهای سیاسی پذیرش آراء و عقاید متفاوت ما بین آنهاست و هر نیروئی میتواند بدیل های اجتماعی خویش را جهت تحقق یک جامعه دمکراتیک با آزادی کامل تبلیغ کند و نیروهای اجتماعی هوادار خود را بسیج کند.

در ایران زحمتکشان در شرایطی خود را برای بر گزاری روز جهانی کارگرآماده میکنند که سالی پر مشقت را پشت سر گذاشتند، رکود اقتصادی تداوم یافت، تعداد بیشماری از واحد های تولیدی بسته شدند، تعداد زیادی از کارگران بیکار شدند، فشار و تعرض دولتی بر کارگران بیشتر شد، باز داشت و محاکمه نمایندگان کارگران و فعالین کارگری بشدت ادامه یافت، دستمزد کارگران زیر خط فقر در جا زد، و این درحالیست که خامنه ای بیش از دویست میلیارد دلار ثروت مردم را دزدیده، اما اعتراضات و اعتصابات در برابر سیاستهای ضد کارگری رژیم بطور چشمگیر رو به گسترش نهاد، و قدمی عقب نگذاشتند و همراه خواست نان، کارو آزادی در برابر سرمایه داری عریان ایستادگی کردند و از حقوق خود دفاع نموده و درهم بستگی و همیاری درکنار یکدیگر بودند، و جایگاه خود را در مبارزه برای کسب حقوق خود

بخوبی تشخیص دادند ، اعتصابات کارگری و اعتراضات مدام و بی وقفه در سال گذشته ادامه داشت و این خود مبین این واقعیت است که طبقه ی کارگر علیه سرمایه داری صفوف خود را آرایش نسبی، داده بود، اما و بروس کرونا نیز بر نا ملایمات آنها افزود.

البته تهدید و بازداشت کارگران فعال در آستانه روز جهانی کارگر ادامه دارد، عوامل امنیتی سرکوبگر جمهوری اسلامی در جهت جلو گیری از برگزاری جشن روز کارگر به بهانه های واهی و به انحاء دسیسه های گوناگون کارگران فعال را دستگیر و تهدید به تعقیب کرده اند، این بازداشتها در سراسر ایران، انجام گرفته است، و هنوز در زندان بسر میبرند و با کرونا دست بگریبانند.

فقر دامن گیر همه کارگران شده توانائی خرید مواد غذایی را از دست داده اند و در فقر مطلق بسر میبرند، حقوق کارگرانی که کار میکنند زیر خط فقر و ماهاست پرداخت نشده است، مضافا صدای هر اعتراضی را با زندان ، شکنجه جواب میگویند، اسماعیل بخشی کارگر فدا کار و مبارز را بجرم دفاع از سایر کارگران دستگیر زندانی و شکنجه کرده و مجبور به اعتراف اجباری کرده اند، در ایران تشکل مستقل کارگری جرم محسوب میشود.

رژیم در مقابل سیل، ویروس کرونا و بلا های طبیعی دیگر هیچگونه چاره اندیشی ، پیش بینی های لازم را نکرده بلکه در وقوع سیل و زلزله با عملکرد ضد مردمی به تخریب محیط زیست پرداخته و شرایط زندگی زحمتکشان ، کشاورزان را با آماج خانه خرابی بیشتر مواجه کرده است.

وضعیت واوضاع بسیار وخیم معیشتی کارگران همراه با بحران لاینحل اقتصادی بیش از پیش توده های مردم را مستاصل و نا امید کرده، تنها راهی که مانده ورود به خیابان و ایستادن در مقابل رژیم است، تا زمانیکه این حکومت ضد کارگری و ضد ایرانی و آخوند در قدرتند وضع کارگران بمراتب از این که هست بدتر خواهد شد، هیچ راهی جز با ایجاد همبستگی ملی برای گذر از جمهوری اسلامی نمانده است.

روز اول ماه می امسال ، طبقه زحمتکش و استثمار شده ایران، زیر ستم و فشار شرایط طاقت فرسای جامعه ی اسلامی ضد کارگر، آنهم با شیوع ویروس کرونا، میلیونها انسان فدا کار و زحمتکش ، محرومان جامعه را سخت در تنگنا قرار داده است و به بیکاری و گرسنگی آنهم با انباشت میلیاردها ثروت مردم در چنگال سرمایه داری حاکم بر

جامعه ، قرار داده است.

ویروس کرونا باعث افزایش بیکاری شدید میلیونها کارگر زحمتکش و مزد بگیر جوامع مخلف شده است، و این نظام سرمایه داریست که از این اپیدمی مرگ آور استفاده میبرد، بیشتر جان باختگان محرومان جوامع مختلف بوده است، سرمایه داران به چیزی جز انباشت سرمایه و سود نمی اندیشند و مرگ انسانهای زحمتکش برایشان بی تفاوت است.

دردورانه های قبل از کرونا سرمایه داری کوشیده است که حد اکثر تلاش خود را برای پائین نگهداشتن حقوق کارگران ، کاستن بودجه های بهداشتی و آموزشی ، درمان و تامین اجتماعی، به کارگران فشار مضاعف وارد کند.

در ایران نظام اسلامی با وحشی ترین شکل ممکنه ، اعتراضات کارگران را سرکوب کرده و میکند، و مزد کارگران در ایران از پائین ترین دستمزدها در سراسر جهان است، و نرخ بیکاری ، تورم ، مرگ و میر و ... در ایران از بالاترین نرخ های رایج در جهان است. کارگران ایران اکثریت از حقوق بیکاری، بیمه های اجتماعی ، محرومند وضعیت بسیار بد زنان در ایران به ویژه کارگران زن شرم آور است ، و در بدترین شرایط ممکنه قرار دارند.

سرمایه داری در ایران ، بصورت افسار گسیخته در طی حکومت ننگین خود ، توازن طبیعت را دگرگون کرده و آگاهانه به تخریب محیط زیست ، گیاهی و حیوانی و انسانی ، پرداخته است.

پیروز باد اتحاد و همبستگی کارگران، معلمان، دانشکاهیان علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ، برای کسب آزادی و حاکمیت ملی بر سرنوشت خویش.

امین بیات

28.04.2020

Bayat.a@freenet.de

<https://www.facebook.com/amin.bayat9>

زنده باد اول ماه مه!



جشن کارگری
روز همبستگی بین‌المللی کارگران جهان
را
به همه ی زحمتکشانشان ایران و جهان
تبریک می‌گوئیم.



نامه‌ی اعتراضی سندیکا‌های فرانسه به دستگیری‌های اول ماه مه در ایران

نامه‌ی سندیکا‌های فرانسه به حسن روحانی
در اعتراض به دستگیری‌های اول ماه مه

آقای حسن روحانی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران

روز چهارشنبه اول مه ۲۰۱۹، در جریان گردهم آئی آرام کارگران، دانشجویان، معلمان و ... در مقابل مجلس شورای اسلامی، بیش از چهل نفر از تظاهرکنندگان مورد ضرب قرار گرفته، دستگیر شده و به زندان‌های مختلف از جمله اوین اعزام شدند. تاکنون، بخش بزرگی از دستگیرشدگان، عمدتاً در مقابل وثیقه آزاد شده‌اند.

هفت نفر از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در میان دستگیرشدگان بودند که روز ۵ مه، چهارنفر از آنان با پرداخت وثیقه آزاد شدند. اما چند نفر از معلمان، اعضای کانون نویسندگان و سه نفر از اعضای سندیکای واحد (رضا شهابی، حسن

سعیدی، و سید رسول طالب مقدم) هنوز زندانی اند و زیر فشارهای قضائی - امنیتی قرار دارند.

آقای رئیس جمهور، کشور شما کنوانسیون های بین المللی، از جمله کنوانسیون های سازمان جهانی کار مبنی بر احترام بر حقوق افراد را امضا کرده است. مزدبگیران ایران با بزرگداشت اول ماه مه، بهبود شرایط اقتصادی خود را که اخیرا وخیم تر شده است، در چارچوب یادشده، مطالبه می کنند.

ما سازمان های سندیکائی فرانسه، با محکوم کردن قاطعانه اقدامات سرکوب، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط تظاهرکنندگان دستگیرشده هستیم. باید آزادی تردد آن ها تضمین شود. آقای رئیس جمهور، سلام های محترمانه ما را بپذیرید.

کنفدراسیون فرانسوی دموکراتیک کار (س اف د ت)

کنفدراسیون عمومی کار (س ژ ت)

فدراسیون سندیکائی متحد (ا ف ا س او - فرهنگیان)

اتحادیه سندیکائی برای همبستگی (سولیدر)

اتحادیه ملی سندیکاهای مستقل (اونسا)

پاریس، هفتم مه ۲۰۱۹

رونوشت به آقای رئیسی، رئیس قوه قضائیه